

بسترشناسی و بسترسازی اصلاح جامعه

نویسنده: ناصر روشن فکر

عضو هیئت علمی دانشگاه

زمستان ۱۳۹۹

انتشارات ادیب قزوین



سرشناسه	روشنفکر، ناصر، ۱۳۳۵-
عنوان و نام پدیدآور	بسترشناسی و بسترسازی اصلاح جامعه/ نویسنده ناصر روشن فکر.
مشخصات نشر	قزوین: ادیب قزوین، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	978-964-2622-52-8
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه ص. ۱۷۶.
موضوع	اصلاحات اجتماعی
موضوع	Social reform
موضوع	اصلاحات اجتماعی -- ایران
موضوع	Social reform -- Iran
موضوع	برنامه ریزی اجتماعی -- ایران
موضوع	Social planning -- Iran
رده بندی کنگره	۷۱۷HN
رده بندی دیویی	۴۸۴/۳۰۳
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۶۸۲۴۶
وضعیت رکورد	فیبیا

بسترشناسی و بستر سازی اصلاح جامعه



نویسنده: ناصر روشن فکر
ناشر: انتشارات ادیب قزوین
نوبت چاپ: جاب اول - تابستان ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
صفحه آرای- طراحی جلد: خاتم روشن فکر
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۲۲-۵۲-۸
چاپ و صحافی: موسسه چاپ فاضل - قم

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.»

مرکز پخش: قزوین - خیابان بوعلی - چهارراه فردوسی - کوچه ساحل
تلفن: ۰۹۱۳۳۸۲۵۴۳۷ - ۰۲۸۳۳۳۳۵۰۵۰

فهرست مطالب

۱- مقدمه.....	۹
۲- چگونه بسترهای موجود در جامعه را شناسایی کنیم.....	۱۶
۳- بررسی ویژگی های بسترهای مفید و سالم موجود در جامعه جهت تقویت آنها ۳۳	
۴- شناسایی ویژگی های بسترهای ناسالم موجود در جامعه به منظور خشکاندن و ناکارآمد کردن آنها در جهت بهبود جامعه.....	۴۰
۵- تأثیر نظام ارزشگذاری بر سلامت یا تخریب بستر سالم اجتماعی.....	۵۹
۶- آموزش و تربیت نسل جوان جامعه با بکارگیری انرژی فوق العاده ممکن می شود	۷۲
۷- تأثیر رشد ناگهانی جمعیت در بهم ریختن تعادل پایدار بستر اجتماعی.....	۸۴
۸- انتخاب الگوی مناسب چگونه میتواند در بستر سازی سالم جامعه مفید واقع شود؟.....	۹۲
۹- ویژگی های آفت گونه که اکثر مردم جامعه گرفتار آن باشند ناسالم شدن بستر جامعه رونق می گیرد.....	۱۰۴
۱۰- تفاوت های اساسی بسترهای سالم جوامع به سرافته با بسترهای ناسالم جوامع عقب مانده.....	۱۱۲
۱۱- منافعی که یک جامعه با بستر سالم برای شهروندان خود فراهم می نماید.....	۱۱۶
۱۲- ویژگی شهروندان مطلوب که سازنده ساختار بستر سالم در جامعه می باشند	۱۲۱
۱۳- تحلیل ورودی، پردازش، خروجی های کسب شده در کنش های اجتماعی.....	۱۳۰
۱۴- واکنش مردم به وجود و حضور بستر ناسالم در جامعه چیست؟ واکنشها چه پیامدهایی دارند؟.....	۱۳۷
۱۵- نتیجه گیری از نوشتار فوق.....	۱۷۲
منابع استفاده شده.....	۱۷۶

به نام خدا

۱- مقدمه

بستر واژه بسیار مهمی است و شاید در فرهنگ‌سازی جامعه در قرون گذشته توجه کمی به ارزش واقعی آن شده‌است. رشد یک دانه گیاه درون خاک، حکایت از وجود بستر مناسب برای رشد دانه دارد. طبیعی است که اگر P.H خاک نامتوازن یا رطوبت خاک نامتناسب باشد، هرگز دانه به ساقه و برگ و میوه تبدیل نخواهد شد. و همین‌طور اگر یک قطعه نان خشک شده را در هوای خشک قرار دهیم، بستر برای رشد کپک یا قارچ نامساعد است. ولی اگر همین قطعه نان رطوبت داشته باشد یا در بستر هوای گرم و مرطوب قرار گیرد، به طور قطع قطعه نان کپکی شده و غیر قابل خوردن و فاسد می‌شود.

برای بروز هر حادثه‌ای دلخواه یا ناخواسته بستر مناسب ضرورت دارد. بدیهی است که در سال ۱۳۵۹ شرایط اجتماعی و نظامی کشور ما بستر مناسبی برای حمله صدام به ایران و پیروزی سریع را برای دشمنان قابل تشخیص کرده بود و با اتکاء به همین تشخیص از بستر حاکم بر فضای ایران و امید به پیروزی سریع جنگ شروع شد. اگر ما بستر را مراقبت می-

کردیم و بستری نا ایمن برای دشمن می‌ساختیم، هرگز جنگی روی نمی‌داد.

بستر شناسی دو وظیفه و رکن اساسی تفکر دوست و دشمن است. دوست با شناخت بستر مناسب، اقدام به برنامه ریزی و تلاش برای رشد و نمو هدف‌های بالا در جامعه می‌کند. هدف‌های سازنده و دشمن با شناخت بستر حال چه مناسب یا نامناسب باشد، تاکتیک‌های خود را هماهنگ با بستر موجود کرده و به دشمنی خود ادامه می‌دهد.

ما برای دستیابی به جامعه‌ای با نشاط و قانونمند، اولاً نیاز داریم که بسترهای مفید اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را به عنوان نقطه قوت موجود باز هم تقویت و بیشتر تقویت کنیم و سپس برای آرزوهایی که برای سعادت‌مند شدن جامعه‌مان داریم برنامه ریزی کرده و بستر سازی نماییم. همانطوریکه اگر قرار است از شهر A به شهر B قطار رفت و آمد کند، ابتدا باید بستر محکم و سپس ریل گذاری و تنظیمات انجام شود تا قطار ما قادر باشد روی این ریل حرکت کند و از شهر A به شهر B رفت و برگشت کند. برای ایجاد جامعه‌ای با نشاط و سالم باید اقدام کرد، همت کرد، برنامه ریزی کرد و این تلاش‌ها باید توسط افرادی صورت گیرد که توانایی، علم و قدرت این کارها را دارند. پس عامل اصلی منابع انسانی می‌باشد. یعنی این انسان است که می‌تواند مشکلات جامعه انسانی را حل

و فصل کند. همان طوری که همین انسان است که به دست خودش خواسته یا ناخواسته در اثر جهل و ناآگاهی این مشکلات را برای جامعه به وجود آورده است. در یک جامعه که من در آن زندگی می‌کنم، بدیهی است که کسب درآمد از دست سایر انسان‌هاست و بالعکس خدماتی را که ارائه می‌دهم نصیب همین انسان‌های جامعه می‌شود. پس به نوعی سرنوشت انسان‌ها در یک جامعه به هم گره خورده است. اگر شخصی در جامعه دچار بیماری واگیر شود، بدیهی است که این بیماری به من و خانواده من هم سرایت کرده و همه انسان‌ها درگیر بیماری می‌شوند. ما نمی‌توانیم به مشکلات یک انسان دیگر در جامعه بی‌توجه باشیم. مثلاً اگر انسانی در اثر فقر مالی محتاج است و تنذیه نامطلوب دارد، باید درک کنیم که به زودی و با سرعت مشکل او به من منتقل خواهد شد. او برای سیر کردن شکم خود، اقدام به سرقت اموال من و دیگر انسان‌ها خواهد کرد و اینطور می‌شود که بی‌توجهی به مشکلات سایر انسان‌ها، مشکلات بزرگی برای جامعه انسانی به وجود می‌آورد.

در یک جامعه هیچ چیز با ارزش‌تر از انسان نیست. انسان به معنی واقعی و تمام و کمال، قوانین و مقررات اجتماعی و اقتصادی وضع شده برای همین انسان‌هاست که به آن‌ها شرافت، اقتدار و نظم بدهد که در کنار هم در یک فضای اجتماعی، در محیط کار، در محیط خانواده با صلح و صفا و شادمانی زندگی کنند.